



## مشارکت مردمی در پروژه های نوسازی شهری چین

### چکیده

در برنامه ریزی های حال حاضر، مشارکت مردمی رمز موفقیت پروژه های شهری و معیار ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری به شمار می رود، نوسازی شهری در صورتی موفقیت آمیز خواهد بود که مشارکت مردمی و پشتیبانی و حمایت آنان را به همراه داشته باشد. به عبارتی مردم عمده ترین بهره برداران آن به شمار می روند.

در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی مشارکت عمومی در پروژه های نوسازی شهری، و با توجه به تئوری برنامه ریزی ارتباطی، شیوه مشارکت مردم در پروژه های نوسازی شهری در سه نمونه موردی از کشور چین (یانگ ژو، شیان و شانگهای) را که تحت شرایطی مختلف و با سرمایه گذاران متفاوت انجام گردیده، مورد بررسی قرار داده است.

نتایج بیانگر آن است که مشارکت در سه نمونه مورد بررسی با روشهای مختلف و سطح موفقیت متفاوتی به انجام رسیده است. در نهایت پیشنهاد گردیده که برای دستیابی به مشارکت موفقیت آمیز در پروژه های نوسازی شهری، باید به عوامل مختلف حمایت حکومت سیاسی از مشارکت مردمی، قرار دادن مشارکت مردمی در دستور کار پروژه، استفاده از رهیافت های خلاقانه برای مشارکت با توجه به شرایط محلی، استفاده از دانش، تجربیات و کارشناسی سایر پروژه های انجام شده، ارتباط مداوم و مستمر با مردم و مبادله اطلاعات بین جامعه محلی و مسئولین پروژه ها، و میزان اعتماد و اطمینان مردم محلی به تیم مسئول پروژه توجه گردد.

مدیریت توسعه و پژوهش

گروه مطالعات برنامه ریزی و توسعه پیدار شهری

کد گزارش: 89-Urab 13  
تاریخ گزارش: 1389/11/26

## ۱- مقدمه:

انسان از دیرباز در اجتماع به دلایل مختلف همچون استفاده از افکار دیگران، صرفه جویی در زمان، کسب قدرت مالی و اقتصادی، برآورده شدن نیازهای احترام و منزلت، افزایش ریسک و جرأت برخورد با مسائل و ... گرایش به مشارکت داشته است. در واقع مشارکت، دنبال کردن اهداف مشترک گروهی و ترجیح منافع فردی بر منافع گروه تعبیر می شود. مداخله در بافتهای شهری و نوسازی آنها، مقوله ای است که بیشتر از هر چیز نیازمند رویکرد مشارکتی است چرا که این اقدام تنها کالبد و فیزیک محلات و بافت را تغییر نمی دهد بلکه نظام اجتماعی و فرهنگی افراد ساکن در این مناطق را تحت تأثیر قرار می دهد. نکته مهم در نوسازی های شهری کشور ما، فقدان رویکرد علمی و اساسی و همه جانبه نگر و عدم توجه به خواست ها و مطالبات شهروندان و ساکنان شهری بوده است که سبب بی اعتمادی و عدم مشارکت اجتماعی آنان گردیده و عامل نگاه منفی به طرح های نوسازی و عدم موفقیت این طرح ها گشته است. لذا با توجه به این مسأله، مقاله حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و با نگاهی به تجربه کشور چین به مشارکت و علل موفقیت یا عدم موفقیت آن در طرح های نوسازی پرداخته تا زمینه تجربه اندوزی و کسب تجارب را برای کشورمان فراهم آورد و بتوان از نکات آموزنده آن درس گرفت و از تکرار اشتباهات آنان جلوگیری به عمل آورد.

## ۲- تئوری برنامه ریزی ارتباطی

چهارچوب تئوریک برای این بررسی، تئوری برنامه ریزی ارتباطی است که توسط جان فورستر (۱۹۸۲) تعریف شده است. این تئوری بر مبنای تئوری کنش ارتباطی یورگن هابرماس می باشد.

فورستر پیشنهاد کرد که دسترسی به اطلاعات و فهم فرآیندهای تصمیم گیری در برنامه ریزی بسیار سخت است و برنامه ریزان باید تجربه های ارتباطی را در کار تکنیکی خود بکار گیرند تا مشارکت اجتماعی را تشویق نمایند. فورستر در مورد بعد سیاسی کار برنامه ریزان نگران بود و کار اصلی او حول و حوش کاربرد قدرت در فرآیندهای تصمیم گیری بود. همچنین اشاره می کند که برنامه ریزان، زمانی که اطلاعات را در فرآیند برنامه ریزی بکار می برند، می توانند شهروندان را توانمند سازد. به غیر از تمرکز بر بعد سیاسی کار برنامه ریزان، فورستر اشاره می کند که برنامه ریزان می توانند نابرابری و فشار را نشان دهند و می توانند در ساخت اجتماعات دموکراتیک مشارکت کنند. کار و تئوری وی برای این پژوهش مهم است چرا که به مفهوم برنامه ریز و برنامه ریزی انجام این کار در زمینه های خاص اشاره دارد. او نه تنها بر آنچه برنامه ریزان انجام می دهند، تاکید دارد بلکه بر چگونگی کاری که آنها انجام می دهند (به منظور ایجاد فهم و تغییر تجربه) و تاثیر اقدامات آنها بر فرهنگ حکومتی و چگونگی سهم شدن در ساخت تجربه های دموکراتیک اشاره می نماید. فورستر تصدیق کرد که برنامه ریزان در بسیاری از موقعیتها تأثیر کمی بر اجرای طرح هایشان دارند اما می توانند بر ایجاد شرایطی که شهروندان قادر شوند، مشارکت کنند و

سازماندهی زندگی آنها، تأثیر دارند. آنها می توانند این کار را به روشهای مختلف و از طریق ایجاد مدارک و انتخاب شرکاء انجام دهند اما قدرت اصلی آنها در فرآیند برنامه ریزی، کنترل آنها بر اطلاعات است. در واقع دانش و فهم تئوری برنامه ریزی ارتباطی از طریق برنامه ریزی دو طرفه و مذاکره و گفتگو در مورد چالشها، مسائل و امکانات، توسعه می یابد.

### ۳- مشارکت در چین:

مشارکت عمومی در چین در اواخر دهه ۱۹۸۰ با پروژه های توسعه آغاز شد که بر دخیل کردن مردم در پروژه ها و تغییر ماهیت آنان از بهره برداران به مشارکت کنندگان، تمرکز داشت. مشارکت در چین با دیگر کشورها متفاوت است و این تفاوت از ارتباط بی مانند بین مردم و حکومت در طی حوادث تاریخی منشأ می گیرد که از طریق اقدامات مشترک و بسیج دسته جمعی شناخته می شود. تغییراتی که بعد از ۱۹۷۸ در چین اتفاق افتاد، شرایطی را ایجاد کرد تا تحت این شرایط، تجارب مشارکتی در پروژه های آزمایشی صورت گیرد. این تجارب معمولاً بوسیله آژانس های توسعه بین المللی شروع و اجرا گردید. این کوشش ها با مسائل بیشماری مواجه شدند که به دلیل پذیرش اندک موقعیت های محلی و فقدان تعهد، و همچنین سطوح پایین مهارت و ظرفیت سطوح ملی و محلی حکومت بوجود می آمد.

این توافق در بین دانشگاهیان و مسئولان توسعه وجود دارد که مشارکت عمومی در چین متفاوت از غرب است هرچند سخت است بتوان گفت چه تفاوتی در آن وجود دارد. ژائو (Zhao) اختلاف اصلی بین مشارکت در غرب و چین را در تفاوت مفهوم این دو می داند، در چین مشارکت به شکل سنتی به شکل مشارکت توده مردم می باشد که بر مردم تحمیل شده و آنان را متعهد می گرداند که حکومت را در اجرا و انجام قوانین و سیاست های حکومتی، حمایت و مساعدت نمایند.

به صورت نظری، عموم مردم چین این حق را دارند که در فرآیندهای تصمیم گیری دخیل شوند اما این مسأله در عمل دیده نمی شود، مگر در پروژه هایی که توسط مؤسسات بین المللی اجرا می گردد مانند پروژه هایی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ اجرا گردید. مشارکت در این پروژه ها در آن زمان، مفهوم مشارکت عمومی را قدرت بخشید و نقش آن را در توسعه پایدار شناساند، هر چند که رهیافت های مشارکتی تنها محدود به نواحی پروژه ها می گردید و در خارج از آن، مشارکت مورد آزمون قرار نگرفت.

### ۴- برنامه ریزی شهری در چین:

شهرهای چین نیم قرن گذشته سکونتگاه های محصور بودند که مبنای آنها معماری قدیمی هزار ساله و سنت های طراحی شهری بود. پس از ۱۹۴۹ این شهرها، مطابق با تفکر مائوئیسم در مورد نقش شهرها در اقتصاد بین المللی و اندیشه های انقلابی در مورد زندگی شهر، تغییر یافتند. در اواخر ۱۹۷۰، علاوه بر آن یک تغییر بنیادی دیگر

به عنوان اصلاح و بهسازی اقتصادی در زمینه هایی مانند مشارکتی کردن و خصوصی سازی معاملات اقتصادی، توسعه املاک و مستغلات و سرمایه گذاری خارجی آغاز شد. برنامه ریزی شهری در چین از سال ۱۹۴۹ دستخوش تغییرات زیادی شده است که از صنعتی سازی شوروی در اواخر دهه ۱۹۵۰ تا تأثیرات جدید بر جذب سرمایه گذاری در دهه ۱۹۹۰ را در بر می گیرد.

## ۵- نوسازی شهری چین:

یکی از فعالیتهای اولیه برنامه ریزی در چین، نوسازی شهری بوده است. نوسازی شهری در چین، پس از دوره مائو و چوئن لای شروع شد. بازسازی و احیاء نواحی شهری یک استراتژی برنامه ریزی مهم در طی فازهای مختلف تاریخ چین در دوره بعد از سال ۱۹۴۹ بخصوص در اواخر دهه ۱۹۵۰، اوایل دهه ۱۹۶۰ و دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بوده است. اولین مرحله نوسازی، در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به منظور تهیه سرپناه برای صدها هزار نفر از ساکنان شهری چین که بی خانمان یا فقیر بودند، هدف گذاری شد. در اواخر دهه ۱۹۷۰، بدلیل کافی نبودن خدمات و ازدحام جمعیت، بسیاری از نواحی (واحدهای همسایگی موجود) در داخل شهرهای چین رو به ویرانی نهاد.

در بیشتر شهرهای چین در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پروژه های نوسازی وسیعی در نواحی قدیمی شهر به اجرا درآمد. این پروژه ها غالباً مشتمل بر تعدیل ساختارهای موجود و بازسازی است. برای مثال در شانگهای که در حال حاضر ۲۰۰ پروژه نوسازی در دست اقدام است، تخمین زده شده است که بواسطه پروژه های نوسازی بیش از یک میلیون نفر در خارج از محدوده های قدیمی شهر و در نواحی جدید مستقر شوند و تنها ظرفیت برای ۵۰۰۰۰ نفر ساکن در هسته تجاری مجدداً توسعه یافته باقی می ماند.

شانگهای به اندازه و یا بیشتر از آنکه از رویکردهای چینی تأثیر پذیرد، از توسعه شهری قرن ۱۹ اروپا متأثر شد و در شرف انقلاب خود دارای بسیاری از ویژگیهای یک شهر پیشرفته غربی بود. روند غالب شانگهای توسعه مجددی است که منجر به جابجایی ساکنان و تغییر اراضی مسکونی به کاربریهای تجاری سودآور می شود.

در چین در حال حاضر سه انگیزه یا هدف رقابتی و غالباً متعارض در فرآیند نوسازی وجود دارد:

۱- حفظ و نگهداری الگوهای سنتی سکونت، تجارت و فرهنگ

۲- ارتقاء استانداردهای زندگی ساکنان

۳- افزایش پتانسیل سودآوری در محله های مرکزی شهر

یکی از نمونه های نوسازی موفق در چین، برنامه نوسازی شهر تاریخی نین بو در استان ساحلی ژیانگ در یکصد مایلی جنوب شانگهای در خلیج هانگژو است که شیوه مداخله آن بهسازی و نوسازی شهری بوده و حفظ ساکنان بومی و مشارکت بخش خصوصی و مردم را در نظر داشته است. با توجه به این مسائل، در زیر سه نمونه موردی از

پروژه های نوسازی که به نوعی در فرآیند مشارکت درگیر بوده اند، مورد بررسی قرار می گیرد تا نحوه اجرا و دلایل موفقیت و عدم موفقیت آن شناسایی گردد:

## ۶- تجارب مشارکتی در پروژه های نوسازی چین

- یانگ ژو

- معرفی محل پروژه:

شهر یانگ ژو در استان مرکزی جیانگ سو در شرق چین واقع شده است. این شهر ۶۶۳۸ کیلومتر مربع مساحت و ۴.۹۵ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱.۳۱ میلیون نفر در ناحیه درونی شهر زندگی می کنند. یانگ ژو تاریخ ۲۵۰۰ ساله دارد و متعلق به آن دسته از شهرهای چینی است که رشد اقتصادی و اجتماعی قابل ملاحظه ای را از اصلاحات اوایل دهه ۱۹۸۰ رقم زده است. تاریخ شهر قدیمی یانگ ژو به سلسله های مینگ و کینگ (قرن ۱۴ میلادی به بعد) برمی گردد و مکانهای بسیاری دارد که به عنوان مکانهای میراث فرهنگی ثبت شده اند. ناحیه قدیمی شهر به علت توسعه اقتصادی و شهری ویران شده بود و نسل های جوانتر و ساکنان با درآمد بالا به سمت نواحی مسکونی جدیدتر مهاجرت می کردند. به منظور حل این وضعیت در شهر قدیمی و با توجه به توسعه پایدار شهری، مدیریت شهری در ۱۹۹۹ تصمیم گرفت تا رهیافت برنامه ریزی شهر اکولوژیک را بپذیرد.

لذا طرح شهر اکولوژیک با همکاری آکادمی علوم چین و تحت چارچوب برنامه همکاری چین و آلمان در برنامه ریزی و مدیریت شهر اکولوژیک به انجام رسید. ارتقاء مدیریت آب شهری، حفاظت شهری و ایجاد پارکهای صنعتی اکولوژیک به عنوان قسمتی از طرح در شهر به انجام رسید. به منظور افزایش آگاهی شهروندان و همچنین اطلاع رسانی به آنان در مورد اقدامات زیست محیطی، شهرداری یانگ ژو اقدام به افتتاح مرکزی اکولوژیکی نمود که مکانی جهت مشارکت و تبادل نظر ایده های مردم در مورد محیط زیست به شمار می رفت. طرح شهر اکولوژیک یانگ ژو بر اساس اصول مشارکتی و آماده سازی چهارساله طرح و اظهار نظر فنی مشاوران خارجی تهیه شد.

- معرفی پروژه

هدف استراتژی نوسازی درونی شهر، بهبود شرایط زندگی ساکنان از طریق بهبود ناحیه و با کمک ابتکارات خودی با تمرکز بر مشارکت عمومی بود. پروژه به جای رهیافت پروژه محور (رهبریت بازار) که منجر به جابجایی تعداد زیادی از ساکنان و تخریب بعدی مسکن رو به زوال می شود، بر فرآیند به روز رسانی تدریجی تکیه نمود. بنابراین ساکنان به نوسازی مسکن خود و کل جامعه محلی، ترغیب شدند. در گذشته ساکنان تلاش کرده بودند که ناحیه خود را باززنده سازی نمایند اما ارزش تاریخی و فرهنگی ناحیه را مورد توجه قرار نداده بودند. زمانی که پروژه شروع شد، موقعیت طوری بود که ساکنان باید بر تصمیمات حکومت اعتماد می کردند. علیرغم تلاش های

تیم پروژه، مشارکت عمومی در پروژه خیلی پایین بود. لذا برای تشویق مشارکت ساکنان، تیم پروژه تصمیم گرفت تا رهیافت برنامه ریزی اقدام جمعی (CAP)<sup>۱</sup> را در دستور کار قرار دهد.

#### - فرآیند

اساس رهیافت برنامه ریزی اقدام جمعی (CAP)، قدرت دادن به جوامع برای طراحی، اجرا و مدیریت سکونتگاه هایشان است و بر اساس فرآیندهای مشارکتی بنا می گردد که با تکیه بر جامعه محلی، مسأله محور و از پایین به بالا است. عناصر کلیدی CAP کارگاه هایی است که از ۲ تا ۵ روز برگزار می شود و هدف آنها، ایجاد طرح توسعه به منظور اولویت بندی مسائلی است که باید حل شود و استراتژی هایی که باید به منظور حل این مسائل، اتخاذ گردد. همچنین شامل تقسیم مسئولیت ها و چگونگی انجام نیازها، افراد مسئول و زمان انجام آنها می گردد. کلید اصلی فرآیند آن است که ورودی های این کارگاه بین جامعه محلی و افراد متخصص، توازن برقرار می نماید و کارگاه در موقعیت با دسترس مناسب در درون جامعه محلی برگزار می شود. جدول زیر مراحل مختلف فرآیند CAP را نشان می دهد.

جدول ۱: فرآیند CAP

مرحله ۱	شناسایی و اولویت بندی مسائل: مسائل چه هستند؟
مرحله ۲	استراتژی ها، گزینه ها و ارزیابی آنها: راهکارها و اقدامات مناسب در ارتباط با مسائل چه هستند؟
مرحله ۳	برنامه ریزی برای اجرا: چه کسی، چه کاری را در چه زمانی و چگونه انجام دهد و چگونه به آن برسیم؟
مرحله ۴	نظارت و بازبینی: فرآیند چگونه کار می کند و ما چه می توانیم از آن یاد بگیریم؟

در یانگ ژو این فرآیند با انتخاب یکی از همسایگی ها ناحیه با ۱۴۷ خانوار به صورت آزمایشی شروع شد. CAP توسط تیمی از تعاونی فنی آلمانی (GTZ)<sup>۲</sup> و با همکاری کمیته مسایگی محلی سازماندهی شد. کل فرآیند سه مرحله داشت: مرحله قبل از CAP، مرحله CAP و مرحله بعد از CAP. در مرحله اول تیم GTZ مسائل موجود و نواحی بالقوه را برای بهبود در میان مؤسسات و ساکنان بررسی کرد. قسمتی از فرآیند CAP، رویداد "شهر قدیمی در نظر مردم" بود که ساکنان ترغیب شدند تا در مکان زندگی خود بگردند و عکس هایی را از مکانهای تاریخی و غیر تاریخی تهیه نمایند. این عکس ها در طی روز اول کارگاه به منظور بحث در مورد ارزش تاریخی ناحیه مورد استفاده قرار گرفت. این قسمت از کارگاه روی افزایش آگاهی از مشارکت و همچنین ارزش تاریخی ناحیه قدیمی شهر تمرکز نمود. بعد از این جلسه، مشارکت کنندگان مسائل مهم خیابان ها و مسکن خود را مشخص نمودند و سعی کردند تا آنها را اولویت بندی نمایند.

روز دوم کارگاه بر تشخیص بیشتر مسائل و مباحثی در ارتباط با همه سرمایه گذاران تمرکز نمود. مشارکت کنندگان از خانه ها و کوچه ها بازدید نمودند تا مسائل را تعیین نمایند و طرح های اقدام تفصیلی را تهیه نمایند. طرح های اقدام تفصیلی در روز سوم به پایان رسید و دسته بندی شد تا جایی که نمایندگان طرح های اقدامی را بر

<sup>۱</sup>-Community Action Planning

<sup>۲</sup>-German Technical Cooperation

اساس اینکه چه نیازهایی باید برآورده شود، توسط چه کسی و چه مقادیری، تنظیم کردند. مباحث تنظیم زمان و امور مالی همراه با سیاست هایی که نیاز است فرآیند را تسهیل کند، مورد بحث قرار گرفت. مرحله بعد از CAP، ایجاد راهبردهایی برای بهبود که باید توسط ساکنان درک شود نه افراد متخصص و طرح جامع بلوک آزمایشی که باید بر اساس پیشنهادات ساکنان اصلاح گردد، را شامل شد. تخمین هزینه ها انجام شد، بنابراین ساکنان توانستند به ایده بهتری از تخمین هزینه ها برسند. تمام کارگاه که سه روز طول کشید در همان ناحیه واقع شد تا برای ساکنان به آسانی قابل دسترسی داشته باشد. حدود ۳۰ سکنه از ۱۴۷ خانوار راضی شدند تا در کارگاه نقش ایفا نمایند و نتایج مذاکرات، برای شهردار یانگ ژو نشان داده شد.

#### نتایج:

بر اساس نظر تیم پروژه، ساکنان مشارکت کننده، علاقمند شدند و از فعالیت ها و نتایج راضی بودند. افزایش آگاهی و ایجاد اشتیاق نشانگر آن بود که در آینده آنها خلاقیت بیشتری را بکار خواهند گرفت. ساکنان طرح جامع ناحیه را تفسیر می کردند و طرح بر اساس پیشنهادات آنها، اصلاح شد. آنها حتی طرح های اقدام را برای بهبود محیط مسکونی خود در دوره های کوتاه و متوسط مدت آماده کردند و افراد مرتبط خود را انتخاب نمودند تا آنان را در جریان کار بگذارد و ادامه مشارکت را تضمین نماید.

#### - ژیان

#### - معرفی محل پروژه

ژیان در استان شانکسی در شمال غربی چین واقع است. این شهر جمعیتی حدود ۵.۴ میلیون نفر را در خود جای داده که ۴۲۰۰۰۰ نفر آنان در مرکز تاریخی زندگی می کنند. کل مساحت شهر ۳۵۸۲ کیلومترمربع و مساحت مرکز تاریخی آن حدود ۱۲ کیلومترمربع است. شهر ژیان چهار طرح جامع داشته است که در طی دوره های ۲۰ ساله به انجام رسیده و شرایط خاص اجتماعی اقتصادی آن را منعکس می سازد. آخرین طرح دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۸ را در بر می گیرد و هدف اصلی آن ارتقاء محیط فیزیکی به منظور جذب سرمایه بیشتر بوده است.

اصلاح ژیان به چند قسمت تقسیم شد. یکی از آنها بخش مسلمان نشین برج درام (Drum) بود که به عنوان یک ناحیه تاریخی در مرکز تجاری شهر واقع شده است. در ناحیه ۶۰۰۰۰ سکنه وجود دارد که ۳۰۰۰۰ از مردم هوئی (Hui) بوسیله اسلام متمایز می گردند. بخش تاریخی با چالش های بسیاری روبروست که فعالیت های ساخت و ساز بدون برنامه افراد محل با هدف افزایش فضاها زندگی از آن جمله است و منجر به کاهش فضای عمومی، هدر رفتن فضا و تهویه و نورگیری ضعیف شده است. ساختمانهایی که ساخته شده اند، کیفیت پایینی دارند و در تضاد با ناحیه تاریخی هستند. مشکل دیگر، زوال محیطی و مسائل ترافیکی است که بوسیله فعالیت های شغلی ساکنان محلی ایجاد شده است. اکثریت خانوارها، مشاغل محلی (فروش در مقابل مسکن خود) دارند در حالیکه پشت منازل،

مکانهای آماده ای است که برای مثال برای قصابی بکار گرفته می شود. به علت زیرساخت ضعیف، این فعالیت ها بر محیط زیست و استانداردهای زندگی سکنه اثر منفی دارند.

#### - معرفی پروژه

پروژه تحت چارچوب توافق امضاء شده بین دولت های نروژی و چینی در ۱۹۹۷ آغاز شد. تکیه اصلی توافقنامه بر پروژه های زیست محیطی با تکیه بر ذخایر آب بود؛ هرچند بهسازی شهری در بخش برج درام در ۱۹۹۸ را نیز شامل می شد. شریک شهرداری محلی در این پروژه، آژانس همکاریهای توسعه نروژی (NORAD) و دانشگاه علوم و تکنولوژی (NTNU) بود. پروژه بر اساس مفاهیم زیست محیطی و پیوستگی فرهنگی پایه ریزی شد و اهداف اصلی آن، ارتقای شرایط مسکن محلی، تجدید محوطه ها و ساختمانها، محافظت از آثار و مناظر فرهنگی، برنامه آموزشی برای پرسنل چینی و مذاکره با ساکنان محلی بود.

#### - فرآیند

در ابتدا، پروژه بر اساس همکاری با ساکنان از طریق ایجاد فعالیت هایی برای آنها، کار با کمیته و ارائه سازمان یافته و دیگر آگاهی های برآمده از اتفاقات، پی ریزی شد. اما، ناحیه در سطوح مختلف با تناقضاتی مواجه بود. کشمکش هایی بین ساکنان و حکومت، بین چینی های "هوئی" و "هان" و همچنین بین مدارس مختلف اسلام و خانوارهای شخصی وجود داشت. در آغاز، توسط همکاران چینی به شرکای نروژی گفته شد که به هیچ وجه در منطقه کار نکنند چرا که در گذشته، افراد محلی مخالفت خود با تجدید نواحی را اثبات کرده بودند و در برخی موارد برای توقف فرآیند، سازماندهی هایی انجام داده بودند. علیرغم این مسأله، پروژه مذکور که ۱۵۰۰۰ از مردم وابسته به مسجد بزرگ را شامل می شد، ادامه یافت.

با کمک انسان شناسان نروژی و چینی، تیم پروژه برای مکاتبه با افراد محلی سازماندهی شد و بر بدبینی اولیه آنها غلبه یافت. اکثریت مردم خواستار ویرانی منازل خود و ساخت دوباره آنها بودند. زیرا از ارزش تاریخی و فرهنگی آنها آگاه نبودند یا اینکه آن را درک نمی کردند. تنها یک خانواده به مشارکت در پروژه علاقمند بود و بعد از اینکه این خانه بهسازی شد، بقیه افراد به پروژه علاقمند شدند.

تأمین مالی پروژه بوسیله NORAD، حکومت محلی و قسمتی توسط خود ساکنان انجام گردید. در مجموع با دارایی های موجود، سه محوطه برای یک چهارم افراد تعمیر شد، هرچند ساکنان به آن، علاقمند نبودند. قسمت مهم پروژه، ارتقای زیرساخت و ایجاد دسترسی به سیستم آب و فاضلاب بود که به مردم اجازه می داد که حمام و آشپزخانه خصوصی داشته باشند. امروزه این ناحیه، یک موقعیت توریستی، است هرچند ساخت و سازهای بدون کنترل مخصوصاً در بین مردم ثروتمند واحد همسایگی، ادامه دارد. این ساخت و سازها از مناظر شهری اصلی و سنتی چین به دور است و توسط سالن های کنسرت، ساختمانهای مدرن و ۴-۲ طبقه مشخص می شود.



## نتایج

براساس نظر بنکینگ (۲۰۰۸)، نتیجه پروژه ایجاد نواحی مسکونی جذاب هم برای ساکنان محلی و هم برای توریست ها بود. خیابانها عریض شدند و مساکن به شکل الگوهای سنتی مینگ و کینگ تعمیر گردیدند. پروژه، به علت وسیع ساختن فضای عمومی، جابجایی خانواده هایی خاص را شامل می شد، اما، به این موارد، خسارت پرداخت می شد و آنها قادر بودند مساکن جدیدی را که به این منظور در پشت خانه های سنتی ساخته شدند، خریداری نمایند.

قسمت دیگر شهر به روش توسعه دارایی محور، نوآفرینی شد. برای خیابانهای محلی در نواحی دامیشی (Damaishi) و ساجینکوا (Sajinqiao) برنامه ریزی صورت گرفت تا به منظور حل مسائل ترافیکی عریض شوند و فرصتهای شغلی بیشتری را برای ناحیه فراهم کنند. استراتژی پروژه، جابجایی ساکنان به نواحی خارج از این بخش را شامل می شد و مساکن سطح پایین موجود با مجتمع های مدرن چند سطحی جایگزین می گردید.

جابجایی در بین ساکنان عمدتاً مسلمان، مسأله دار است، چرا که سنتهای آنان به وجود مسجد مربوط می شود که در بخش مرکزی واقع است، در عین حال آنها رابطه های خانوادگی با همسایگان داشتند و همسایگان آنها در بسیاری از موارد، فامیل و خانواده آنها می باشند. آنها از جابجایی امتناع کردند، زیرا آنها به فعالیتهای شغلی محلی که در بالا ذکر شد، وابسته بودند و آنها را به ناحیه شهری وابسته می ساخت.

در مجموع حدود ۱۰۰۰ خانوار توسط پروژه تحت تأثیر قرار می گرفتند که جلسات و مذاکرات مختلفی بین آنها و حکومت شهری برگزار شد اما معضل را حل نکرد. در ۲۰۰۵، حکومت محلی، جابجایی اجباری را شروع کرد که دادخواهی ساکنان محلی به مقامات بالاتر را در پی داشت. بر اساس این شکایات، وزارت مسکن، بررسی تجارب را آغاز کرد، هرچند مکانیسم های بازرسان، تنها کنترل این امر بود که آیا اقدامات جاری در راستای طرح جامع می باشد یا با آن هماهنگی ندارد. در صورتی که آنها درون طرح جامع بودند که قبلاً توسط شورای دولتی تصویب شده بود، از قانونی بودن اینگونه اقدامات توسعه مجدد، سوال نمی گردید. آنچه که شهرداری محلی ملزم شد تا در ارتباط با جنبش دادخواهی اجتماع، انجام دهد، پرداخت خسارت بیشتر بود. از این منظر، برای حکومت محلی آسانتر است تا راهبرد خود را عوض نماید و به جای مبنای قرار دادن بازار بر محافظت یا توسعه اجتماع محور تمرکز کند.

### - شانگهای - تایپینگکوا

### - معرفی محل پروژه

شانگهای شهری در چین شرقی است با جمعیت حدود ۲۰ میلیون سکنه و مساحت ۶۳۴۰ کیلومتر مربع. شهر به ۱۸ ناحیه و یک بخش تقسیم می شود.

برنامه های توسعه مجدد شهر بعد از انقلاب فرهنگی شروع شد و بوسیله جریان های بزرگ مهاجرت به داخل هدایت می شد. شهر باید به منظور هماهنگی با رشد جمعیت سازماندهی مجدد می شد و شهرداری شهر در دهه

۱۹۹۰ پروژه "۳۶۵" را شروع کرد که یک طرح مسکن با جهت گیری پیاده و به روزرسانی یک ناحیه ۳.۶۵ میلیون متر مربعی مسکن حاشیه نشین بود. پروژه، هدف فراهم سازی "مسکن کافی برای همه" را در دستور کار داشت و در طی اجرای آن، حکومت بطور متوسط برای (مسکن سازی مجدد) ۵۰۰۰۰۰ خانوار در هر سال و ۱.۵ میلیون نفر در کل برنامه ریزی کرد. در نتیجه، شرایط فیزیکی زندگی مردم ارتقا یافت، بطوریکه سرانه فضای زندگی از ۸ متر به ۱۳.۲ متر مربع افزایش یافت. به هر حال، این پروژه از طریق اجاره زمین و توسعه دارایی مبنا، انجام شد که به معنای حذف کامل مسکن قدیم و زندگی مردم در آنها بود.

#### - پروژه

بعد از تکمیل پروژه "۳۶۵" حکومت‌های بخش به پروژه های توسعه مجدد خود ادامه دادند. در یکی از قدیمی ترین بخشها (Luwan)، برای توسعه مجدد ناحیه کوچی های قدیم که تایپینگکوا نام داشت، تصمیم گیری شد. این پروژه در ادبیات به عنوان موفق ترین تجربه توسعه مجدد مورد ملاحظه قرار می گیرد. فرآیند در ۱۹۹۶ شروع شد و توافق بین حکومت و توسعه دهندگان خصوصی، با هدف توسعه مجدد ناحیه ۵۲ هکتاری با ۲۳ مسکونی با تقریباً ۷۰۰۰ سکنه بود. زمان پروژه برای توسعه مجدد، ۱۵ سال بود. دلایل شروع توسعه دارایی محور، دوگانه بود. اول تولید سود و دوم، مسکن ناحیه ویران شده بودند و قابل تعمیر نبودند، لذا با تصویر مدرن شانگهای، هماهنگ نبود. همچنین گرایش های سیاسی حکومت بخش بوسیله این حقیقت هدایت می گردید که حکومت شهری بخشها بر اساس شاخص مالی و توسعه شهری دسته بندی گردد. از آنجا که هزینه اکتساب زمین، منبع اصلی سود بخشها بود، این اقدام به حکومت‌های بخش کمک می کرد تا به رتبه بالاتر دست یابند. شاخص توسعه شهری و اهمیت آن برای ارتقای صاحب منصبان حکومت بخش مشابه بحث مالی است. سرمایه گذاران اصلی در استراتژی توسعه مجدد، شرکت‌های معماری و طراحی شهری امریکا، اسکیدمور (Skidmore)، اوینگ (Owings) و مریل (Merill)، وود (Wood) و زاپاتا (Zapata)، اینک (Inc)، اداره سنگاپوری بین المللی نیکن سکی (Nikken Sekkei) و ... بودند. از همکاران چینی، دانشگاه تونگجی شانگهای (Shanghai Tongji) و حکومت شهری و بخش لووان (Luwan) بودند. حکومت بخش مخصوصاً به علت جابجایی سریع ساکنان که سریع ترین جابجایی در تاریخ شانگهای است، نقش مهمی در فرآیند داشت.

قسمتی از ناحیه تایپینگکوا که ژین تیاندی (Xintiandi) (XTD) نامیده می شد، قسمتی از امتیاز انحصاری فرانسوی در قرن ۱۹ و ۲۰ بود که بوسیله مسکن سنتی (Shikumen) با محوطه هایی که ارزش تاریخی و فرهنگی دارند، مشخص می شود. بنابراین شهرداری شانگهای تصمیم گرفت تا ناحیه را حفظ کند همچنین علت دیگر این امر، آن بود که یکی از ساختمانهای ناحیه، مکان مجلس اول جمعیت کمونیست چینی بود.

از آنجا که ساختمان مجلس ارزش تاریخی داشت، ناحیه تحت قانون حمایت از آثار فرهنگی جمهوری خلق چین، قرار گرفت و بنابراین توسعه مجدد باید بوسیله این قانون هدایت می شد. به علت ابهام و فقدان راهبرد خاص

در چگونگی حفاظت که باید در عمل بکار برده می شد، حفاظت مورد نظر واقع نشد. دلیل دیگر، این حقیقت بود که تیم پروژه فاقد تخصص در پروژه های حفاظت تاریخی بود. بر اساس نظر یانگ و چانگ (۲۰۰۷) در طی فرآیند برنامه ریزی پروژه، افزایش وسعت فضای کف ساختمانهای اطراف به منظور "حفظ" مکان تاریخی مجلس، تصویب شد. در نهایت تمام ساختمان تاریخی اطراف به استثنای ساختمان مجلس، تخریب شد و مجدداً به صورت ساختمانهای "الگوی تاریخی" ساخته شد و برای کاربری تجاری طراحی گردید.

- فرآیند:

از آنجا که توسعه مجدد در رده های مختلف انجام می شد، ساکنان نواحی مختلف تایپینگکوا، طرز عمل های متفاوتی را احساس کردند. به طور کلی در مورد طرح توسعه مجدد به آنان اطلاع رسانی نشد تا اینکه توسط حکومت و توسعه دهندگان اعلام گردید و آنها حتی نمی دانستند که تخریب چه زمانی شروع خواهد شد. در نمونه XTD ساکنان خوش شانس بودند چرا که خسارت قابل توجهی دریافت نکردند. این مسأله بخاطر آن بود که XTD دچار کشمکش سیاسی گردید و پروژه آزمایشی بود که در ۱۹۹۹ شروع شد. لذا قیمت های املاک پایین تر از مراحل بعدی بود. برای مثال ساکنان قسمت دیگر تایپینگکوا در ۲۰۰۳ تقریباً همان قیمت ها را در ازای جبران خسارت دریافت کردند، در حالیکه قیمت ها ۲۳٪ بالاتر رفته بود. بر اساس نظر و ساکنان در این پروژه ها هیچ نقشی نداشتند. در واقع عدم نقش دهی به ساکنان، تجربه عمومی در پروژه های اجرا شده توسط توسعه دهندگان و حکومت های محلی بود. ساکنان نمی دانستند که پروژه ها، چگونه و چه زمانی اتفاق خواهد افتاد. همچنین آنها به هیچ شکلی در تصمیم گیری یا اجرای پروژه ها دخیل نبودند. در این نمونه آنها تنها مقاومت فردی را از سر می گیرند به طوری که آنها در موقعیت "ارزش" برای توسعه دهندگان هستند.

همانطور که قبلاً اشاره شده مردم در مراحل اولیه پروژه، جبران خسارات خوبی دریافت کردند، در حالیکه در مراحل بعدی، مسکن ارزان برای آنان به مدت طولانی فراهم نگردید و حتی جبران خسارت پولی کاهش یافت. در مرحله اولیه که در ۲۰۰۰ اتفاق افتاد، به ساکنان، مسکن در نواحی جدید پیشنهاد می شد و آنها می توانستند ۲۰ مترمربع را با ۷۰ مترمربع همکف در نواحی جدید معاوضه کنند (ارزش ۱۶۸۰۰۰ RMB) یا خسارت مالی تقریباً ۱۳۰۰۰ RMB دریافت کنند. در ۲۰۰۱ حکومت شهری شانگهای، مقررات جدید شهری شانگهای برای اجرای حذف ساکنان شهری را ایجاد نمود که روش جبران خسارتی را که از هر نفر برای خانوار محاسبه می شد، تغییر داد تا از افزایش تعداد اعضای خانوارها به جهت افزایش مقدار مبلغ جبران خسارت، جلوگیری نماید. در نتیجه بر اساس قانون جدید، همان خانوار برای جبران خسارت، ۲۰ مترمربع فضای همکف، طبق قانون جدید، ۱۲۳۴۷۷ RMB دریافت می کند. فرآیند حذف ساکنان در پروژه های دارایی مبنای، در حال پیگیری است. توسعه دهنده در ابتدا قیمت ها را با حکومت منطقه به پول نقد تبدیل می کند (قیمت گذاری) که شامل هزینه های تخریب، انتقال افراد و هزینه خدمات دربرگیرنده جبران خسارت برای ساکنان و هزینه ساختمان مسکونی برای آنهاست. این قیمت

ها به صورت هزینه کلی محاسبه می شود نه برای هر خانوار مجزا. جابجایی تنها توسط توسعه دهنده یا "شرکت های حذف" انجام می شود که معمولاً قسمت های قبلی حکومت منطقه هستند، بنابراین ارتباط نزدیکی با صاحب منصبان حکومت دارند. در صورتی که توسعه دهنده تصمیم بگیرد این خدمات را به یک شرکت برون سپاری کند، آنها از این فرآیند به چند روش سود می برند. اول خرید مسکن در نواحی کمتر قابل طراحی با قیمت های پایین تر یا بوسیله خرید مسکن در جایی که املاک، ارزش کمتری دارند. همچنین آنچه می تواند اتفاق افتد، این است که پول سکونت مجدد برای خرید مسکن قبلی استفاده می شود که توسط توسعه دهنده ساخته شده، بنابراین در اصل پرداخت به خود آنها صورت می گیرد.

بعد از نقدی کردن قیمتها، تیم حذف وارد می شود تا مزایای جابجایی ساکنان را با کمک کمیته ساکنان اثبات کند. براساس نظر یانگ و چانگ ساکنان در جابجایی حرف چندانی ندارند، زیرا اجباری است. آنها در این وضعیت دیده نمی شوند، هرچند آنها کاملاً آگاهند که جبران خسارت، حداقل خواهد بود. معنی جابجایی برای مردم این حقیقت است که آنها مجبورند مسکن اجاره ای ارزان خود را واگذار کنند و مسکنی به قیمت بازار خریداری کنند.

#### - نتایج

بر اساس حکومت منطقه Luwan حدود ۷۰٪ از هزینه اکتساب زمین در پروژه روی حذف و سکونت مجدد ساکنان فعلی خرج می شود. هی (He) و وو (Wu) بر اساس تحقیق در ناحیه XTD، استدلال می کنند که هر چند به مردم مسکن بازسازی وسیع پیشنهاد می شود، این جبران خسارت، نیازهای ساکنان کم در آمد را بر طرف نمی سازد. با مذاکره با خانواده ها معلوم شد که مردم با جابجایی، شغلایشان را از دست داده اند و فقیرتر شده اند. آنها فرصت مالکیت مشاغل کوچک را از دست داده اند، برای سفر به شهر حمایت نمی شوند، دسترسی به رفاه اجتماعی و شبکه های اجتماعی را از دست داده اند. آنها از عهده محیط فیزیکی بهتر برآمده اند، اما در نواحی بیرون بدون سازگاری برخی از مردم شغلایشان را از دست داده اند، چون برای سفر درون شهر حمایت نمی شوند. به عبارت دیگر ناحیه XTD در حال حاضر با مسکن، کافه و رستوران های همسایگی های سنتی قدیمی به صورت تجاری درآمده است و پرجنب و جوش ترین بخش پذیرایی در شهر است. برای برخی، این تجربه محکی است که باید در سراسر چین تکرار شود و موفقیت و مدل عملکردی است برای توسعه مجدد سراسر آسیا.

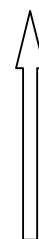
#### ۷- یافته ها

هرسه مورد بیان شده در این مقاله، پیچیدگی های پدیده ای را که مشارکت عمومی در مفهوم چینی با آن درگیر است، نشان می دهد. وضعیت های تاریخی، سیاسی و فرهنگی، شرایطی را ایجاد می کند که تجارب مشارکت عمومی را مشکل می سازد. به هر حال آنچه از نمونه یانگ ژو دیده می شود، غیرممکن نیست. از آنجا که چین، تاریخی طولانی دارد، تجربه های بهسازی شهری تنها در مورد ارتقاء محیط فیزیکی نیست بلکه در بسیاری از موارد، حفاظت و نگهداری آثار تاریخی است. به منظور دستیابی به فهم بهتر از تجارب مشارکتی در این پروژه ها، برای

تفسیر تجربه های مشارکتی یا عواملی که احتمالاً در پروژه های مربوطه بر آن تأثیر می گذارد، نردبان مشارکت عمومی توسط پلومر (Plummer) و تیلور (Taylor) (۲۰۰۴) به صورت زیر ارائه شده است:

جدول ۲: نردبان مشارکت عمومی در چین

ابتکار/خود مدیریتی
تصمیم گیری
بحث و تبادل نظر
بیان و ابراز
حضور
اطلاع رسانی



افزایش تصمیم گیری

**اطلاع رسانی:** آگاه کردن شهروندان در مورد فعالیتهایی که بر آنها تأثیر می گذارند، بدون هیچ ورودی از طرف آنها، تا حد زیادی هنگام تهیه طرحهای جامع در نواحی شهری بکار می رود.

**حضور:** موقعیتی که اعضای اجتماع در جلسات حضور می یابد و از آنها انتظار می رود که در فعالیتهای درگیر شوند. تصمیم در مورد اینکه چه فعالیتی انجام شود، کی و چگونه توسط پرسنل پروژه اتخاذ می گردد.

**بیان:** به جوامع فرصت داده می شود تا دیدگاه هایشان را بیان کنند. آنها این فضا را دارند که بتوانند اطلاعات و دانش را به اشتراک بگذارند و از برنامه های صاحب منصبان حکومت آگاه شوند. بعد از این فرآیند، صاحب منصبان حکومتی در مورد انجام پروژه و فعالیت ها تصمیم می گیرند. گفتگو دوطرفه است اما دارای تأثیر بر یکدیگر نیست. این شکل از مشارکت در بسیاری از موارد به شکل تأیید است. حالتی که صاحب منصبان حکومتی تأیید فعالیت هایشان را از جامعه می طلبند.

**بحث و تبادل نظر:** افراد جامعه در یک مرحله آموزنده، ایده هایشان را مورد بحث و تبادل نظر قرار می دهند. ابزار عقیده شخصی یا جامعه تشویق می شود. این کار کافی است اما تضمین نمی شود که بر متولیان تأثیر بگذارد. تصمیم نهایی به متولیان واگذار می شود.

**تصمیم گیری:** جامعه در تصمیم گیری درگیر می شود و در برنامه ریزی و تخصیص منابع سهم دارد. این قدرت تصمیم گیری به وسیله گروه دیگر به جامعه داده می شود و می تواند بر عهده گرفته شود.

**ابتکار:** جوامع ایده هایشان را ابداع می کنند و خود را بسیج می کنند تا آنچه اتفاق می افتد، بسازند. آنها بر تصمیمات و همچنین کسی که تصمیم می گیرد، کنترل دارند.

مورد یانگ ژو عامل مشارکتی مشخصی داشت و بر اساس تجربه بهسازی شهری با در نظر گرفتن شرایط محلی ساخته شد. شرایط سیاسی برای پروژه مساعد بودند به طوری که یانگ ژو اولین شهرداری در چین بود که طرح شهر اکولوژیک را پذیرفت و بهسازی منطقه قدیمی شهر یکی از مباحث اصلی طرح بود. عامل اصلی پروژه، اثبات

رهیافت مشارکت عمومی با تمرکز بر مشارکت بین ساکنان، بخش خصوصی و حکومت شهری بود. قسمت اصلی پروژه، تبادل اطلاعات و تجربیات به منظور نشان دادن بهترین نمونه موردی بود. با توجه به گزارشات عامل اجرا، رهیافت مشارکت در فرآیند بهسازی شهری به صورت صریح توسط حکومت شهری حمایت گردید و رهیافت از بالا به پایین را به نحوی تغییر داد که ساکنان محلی، نقش مشارکتی دارند و مسئولیت پذیری، قسمتی از اهداف پروژه بود.

این پروژه، شکل خیلی کمیاب مشارکت در مفهوم چینی بود که جامعه محلی مستقیماً در تصمیماتی که باید انجام شود، مشارکت داشتند. این پروژه در نردبان مشارکت در مرحله تصمیم گیری قرار می گیرد و تقریباً به مرحله ابتکار یا خود مدیریت می رسد. بهرحال مشکل می توان گفت دلیل اصلی انجام مشارکت، اختیار دادن واقعی به جامعه بوده است یا فقط دستیابی به نتایج بهتر پروژه مد نظر بوده است.

مورد ژیان عمدتاً بر مبنای حفاظت بود. دستور کار اصلی بهبود استانداردهای مسکن و حفاظت از آثار و مناظر تاریخی بود. هرچند قسمتی از این فرآیند، گفتگو با ساکنان محلی درگیر در پروژه بود، اما تمرکز اصلی پروژه نبود. شرایط محلی از مورد یانگ ژو متفاوت بودند، پروژه در ناحیه با فشار در بین ساکنان اجرا شد. در حالیکه از شهرداری محلی یک اعلامیه وجود داشت: عدم انجام پروژه به صورت کلی. مشارکت عمومی درگیر شد، هرچند شرایط محلی مانع اجرای آن شد. علیرغم مخالفت صاحب منصبان محلی، تیم پروژه برای مذاکره با افراد محل و ایجاد جریان اطلاعات ساماندهی شد، اما هیچ فعالیت برنامه ریزی شده ای مانند یانگ ژو انجام ندادند. این مورد در نردبان مشارکت، بین بیان و بحث و تبادل نظر قرار می گیرد. حالتی که که شرکای پروژه عمدتاً تأیید اقدامات خود را از جامعه می خواستند.

پروژه شانگهای یک دستور جلسه کاملاً متفاوت از یانگ ژو و ژیان داشت. هیچ قصدی برای درگیر کردن جامعه در هیچ مرحله از پروژه وجود نداشت. در عوض مشارکت آنها از بین برده می شد. مشارکت در این نمونه مساوی با جبران خسارت بود، چرا که نگرانی اصلی در مورد ساکنان محلی، درگیر کردن آنان در مورد مقدار جبران خسارت بود. بدون شک این شکل از مشارکت، شکل عمومی امروزی را نشان می دهد. در نردبان مشارکت این پروژه در مرحله اطلاع رسانی قرار می گیرد که به جامعه در این مورد این حقیقت اطلاع داده شد که آنها باید از منطقه خارج شوند. تنها مشارکتی که در این پروژه از مردم انتظار می رفت، فعالیت جابجایی بود.

بر اساس نمونه های موردی می توان فرض کرد که در صورتی که یک یا چند شرط زیر دیده شود، مشارکت عمومی موفق می باشد:

\* شرایط سیاسی محلی از مشارکت حمایت کند- نمونه این مسأله، یانگ ژو است که حکومت محلی پروژه را از آغاز حمایت کرد و شرایط مساعدی را به منظور موفقیت پروژه ایجاد نمود. حمایت حکومت محلی می تواند به افزایش اعتبار گروه اجرا در چشم جامعه محلی کمک کند، اما در نمونه ژیان، حمایت حکومت از پروژه از آغاز

وجود نداشت. در نمونه شانگهای حکومت محلی از توسعه دهندگان املاک، حمایت کرد و مزایای اقتصادی را بر نگرانی های جامعه محلی اولویت داد. در این حالت، مشارکت عمومی غیر ممکن می باشد.

\* مشارکت به صورت مشخص در دستور کار پروژه قرار گیرد- در پروژه یانگ ژو جهت گیری به سمت مشارکت عمومی بود. در عین حال در همان زمان در ارتباط با حفاظت از ناحیه تاریخی قدیمی شهر، سازماندهی صورت گرفت. تمرکز اولیه در پروژه ژیان، حفاظت از آثار فرهنگی بود اما دخالت ساکنان محلی هم برنامه ریزی شد، بنابراین علیرغم فشارهای محلی، تیم پروژه توانست و راضی شد تا در ارتباط با افراد محلی، آنها را جذب کند.

\* رهیافت های خلاقانه برای مشارکت زمانی کاربرد دارد که شرایط محلی در نظر گرفته شود- رویداد " شهر قدیمی در دید مردم " که شهروندان در یانگ ژو تشویق شدند تا تصاویری را از مکانی که آنها زندگی می کردند، به منظور بحث در مورد ارزش تاریخی ناحیه تهیه نمایند، مثال خوبی است. این رهیافت نشان داد که مردم درگیر در پروژه از شرایط محلی آگاه بودند و در مورد ارزش ناحیه ای که ساکنان محلی در آن زندگی می کردند، ناآگاهی کلی وجود داشت. در نمونه ژیان وضعیت مشابه بود، جایی که ساکنان ترجیح دادند خانه هایشان ویران شود به جای اینکه حفظ شوند، هرچند در این نمونه، رهیافت های خلاق بکار برده نشد.

\* مشارکت باید بر اساس دانش، تجارب و کارشناسی دیگر پروژه ها ایجاد گردد- برنامه اقدام جمعی، یک تکنیک است که در سراسر جهان به منظور جذب جوامع محلی در برنامه ریزی به کار می رود. تیم پروژه در یانگ ژو قادر به ایجاد تجربه هایی از این پروژه ها و کارشناسی مردم شد و مفهومی را توسعه داد که در شرایط محلی مورد پذیرش بود.

\* با جامعه کار پیوسته و مبادله اطلاعات وجود داشته باشد- ساکنان باید در تمام قسمت ها و مراحل پروژه درگیر شوند. مشغولیت آنها باید معنی دار باشد و در نتایج پروژه سهم داشته باشند.

\* باید جامعه محلی به تیم پروژه اعتماد داشته باشد- به علت فشارها در ژیان، و تجارب بدی که مردم از انجام پروژه های گذشته داشتند و منجر به جابجایی گردیده بود، ساکنان محلی به هر فعالیت نوسازی شهری جدید بدگمان بودند. این مسأله برای پروژه شرایط سختی را بوجود آورد که همراه با فقدان حمایت حکومت محلی، محدودیت هایی را برای مشارکت ایجاد نمود.

در بررسی موانع مشارکت نیز به استثنای موانعی مانند فقدان الزامات قانونی برای مشارکت، موانعی هم وجود دارند که خارج از حکومت هستند و الزاماً به فقدان سنت دموکراتیک در حکومت مربوط می شود. همانطور که در نمونه یانگ ژو دیده شد، موانع مختلفی برای جلوگیری از مشارکت حتی در نمونه هایی که توسط حکومت یا شرکای اجرایی، حمایت و بهبود می یابند، وجود دارد. بر اساس نظر دیداک (Diduck) و سینکلر (Sinclair) (۲۰۰۲) این موانع ساختاری و شخصی هستند. در مجموع، موانع غیر اطلاعاتی در نظر گرفته می شوند به این معنی

که عموم مردم به علت فقدان اطلاعات، مقدار ناکافی اطلاعات یا زبان خیلی تکنیکی نوشته شده در اسناد، مشارکت نخواهند کرد.

فقدان منابع، مخصوصاً زمانی که ظرفیت مؤسساتی درون جامعه از دست می رود و مانع تولید و پراکنش دانش می شود، مانع دیگری است. همچنین موانع فرآیندی، مانند فرصت های ناعادلانه برای مشارکت، مانع شمول وسیع و همچنین فقدان اثر بر تصمیم نهایی می شود. فقدان انگیزه، فقدان علاقه و زمان از موانع فردی هستند. برخی از مردم هم معتقدند که علایق آنها توسط صاحب منصبان حکومتی نشان داده شده است یا حس می کنند که چیزی برای گفتن در این محث ندارند یا کسی به نظر آنان علاقه نشان نخواهد داد.

در میان موانع ساختاری در کشورهای غربی آنچه که پیچیدگی غیرارادی نامیده می شود، سبب فشار زمانی زندگی مدرن است که مردم را از مشارکت باز می دارد. آنها زندگی پراستری پیدا نموده اند و به سختی زمان تعادل کار و تعهدات خانوادگی را دارند. این شرایط در بین جمعیت طبقه متوسط به بالای چین نیز وجود دارد. در چین مانع دیگر، فقدان سنت مشارکت عمومی است. معنای ضمنی منفی مشارکت اشاره به کار غیر اختیاری جامعه و فقدان فهم از این مفهوم دارد. چنانکه در نمونه یانگ ژو دیده شد، مانع اصلی اعتماد به حکومت است که به فقدان اعتماد در تصمیم گیری ها منجر می گردد. در نمونه ژیان فقدان اعتماد به پروژه، مهم ترین مانع بود.

#### ۸- نتیجه گیری:

علیرغم اینکه مشارکت عمومی در حال رسمی شدن است، اما هنوز در حرف است تا عمل. به منظور معنی دار کردن مشارکت، ژائو (۲۰۱۰) استدلال می کند که باید در تفکر صاحب منصبان حکومتی تغییراتی اتفاق افتد. در هر صورت این تغییرات یک شبه اتفاق نمی افتد، چیزی که می تواند شمولیت شهروندان را در پروژه های نوسازی شهری افزایش دهد، رسمی کردن مشارکت عمومی ساکنان محلی در طرح های توسعه شهرهاست. امروزه آنها به اندازه محدود و در صورتی که یک شریک خارجی درگیر در پروژه وجود داشته باشد که به آنها نیاز پیدا کند، درگیر می شوند. بهر حال این شمول و دخالت باید روشن گردد که تا چه حدی است و در چه فعالیت هایی، ساکنان محلی باید دخالت داده شوند. اگر این کار صورت نگیرد، مشارکت عمومی در مفهوم چینی می تواند به این معنی باشد که ساکنان محلی می توانند در مورد انتقال خود یا پایان دادن به زندگی در موقعیتی که آنها برای ارتقاء شرایط فیزیکی آن هزینه کرده اند، اطلاع یابند اما هیچ تأثیر بر موقعیت اطراف خود ندارند. در هر صورت باید خواست سیاسی برای اجرای این تغییر قانونی وجود داشته باشد. زیرا تحت شرایط سیاسی حال حاضر غیر ممکن است چرا که بر سرمایه گذاری هایی اثرگذار است که منجر به توسعه ها می گردد.

بر اساس نظر بینکینگ (۲۰۰۸) اساس برنامه ریزی در چین هنوز اولویت دهی سرمایه گذاری ها و مزایای اقتصادی بر منافع عمومی است. این مسأله احتمالاً به زودی اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه در تفکرات در جهت اولویت دادن به منافع عمومی، تغییرات اساسی رخ دهد. دلیل پشت پرده غلبه سرمایه گذاری های منجر به نوسازی



های همسایگی، افزایش قیمت های زمین است. بر اساس قانون اداره کل زمین، تمامی مالکان زمین شهری طبقه بندی شده و درجه بندی می شوند. زمین های تجاری و توریستی طبیعتاً قیمت های بالاتری دارد بنابراین برای حکومت ها، جذاب است تا حق کاربری زمین را به فروش برسانند و نواحی مسکونی را به اهداف استفاده چندگانه تغییر دهند. این امر همراستا با جذب سرمایه گذاری ها در شهرها و ارتقاء رشد اقتصادی است. بر اساس این امر، تجارب نوسازی شهری بر اساس استراتژی های توسعه اقتصادی می باشد.

سرمایه گذاری منجر به توسعه در تغییرات فیزیکی محیط نتیجه می دهد، اما اثر پایداری که وابسته به رفتار بلند مدت ساکنان محلی باشد، ندارند. با حضور مؤسسات و آژانس های خارجی مجری پروژه ها در چین، ویژگی پروژه تغییر می یابد. بهر حال مهم است که چگونگی تغییر شرایط محلی در نتیجه این حضور، مورد تفکر قرار گیرد.

فریدمن (۲۰۰۹) استدلال می کند که وقتی در مورد برنامه ریزی صحبت می کنیم، ایده ها از غرب به چین می آیند اما سوال برانگیز است که آیا این ایده ها در سیستم، ریشه می گذارند. پروژه های بکارگیرنده فرآیندهای مشارکت عمومی در چین هنوز در مرحله مقدماتی هستند و امکان پذیری مشارکت به جای اینکه تجربه عمومی شود، هنوز باید در درون روابط جامعه ایالتی مورد بررسی قرار گیرد.

در هر صورت، چین تجارب کوچک مقیاس دارد و باید از این تجارب، تجربه کسب کند و آنها را تعدیل کند و در پروژه های بزرگ مقیاس بکار گیرد. بنابراین حضور شرکای خارجی و اجرای پروژه های پایلوت، نتیجه مثبتی را در پی دارد. همانطور که در آغاز این مقاله اشاره شد نادین (۲۰۰۸) استدلال می کند که سیستم برنامه ریزی منتج از مفهوم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که می تواند فرآیند یادگیری متقابل را محدود نماید اما این مفاهیم می تواند توسط نیروهای خارجی تأثیرگذار شود و این توانایی را دارد که تجارب برنامه ریزی ایجاد شده را به تحلیل برد. فریدمن پیشنهاد می کند که برنامه ریزان باید در کارشان "حق مردم در شهر" را تأیید نمایند و بدانند که همسایگی ها "ما فوق تمام فضاهای تولید مجدد اجتماعی" هستند، بنابراین همسایگی برای ساکنان مهم است حتی اگر محیط فیزیکی در آن، تخریب کننده باشد. چیزی که برنامه ریزان باید درک کنند، فضاهای خاص است که برای مردم معنادار است، مردمی که در مجاور یکدیگر زندگی می کنند و همه چیزهایی که وقتی همسایگی در تخریب، از بین می رود، ناپدید می شود. مامفورد (۱۹۳۷) در مقاله خود "شهر چیست؟" در مورد اهمیت نیازهای اجتماعی که باید در سازماندهی فیزیکی شهر "سودمند" باشد صحبت می کند و "کنترل هوشمندانه عمومی" را در برنامه ریزی به منظور جلوگیری از سازماندهی تکنیکی کل شهرها که مانع از ترقی فعالیت های اجتماعی سازنده زندگی شهری می شود، یادآور می گردد. لذا با این وصف، فضاهای شهری و همسایگی ها تنها بوسیله مسکن و محیط ساخته شده بلکه بوسیله مردمی که در این نواحی زندگی می کنند، شکل می گیرند. اما بر اساس نظر کوک و ان جی (۲۰۰۱)، مشارکت عمومی و تصمیم گیری در زمینه توانمندسازی اجتماعی "فرا تر از تصور" رهبران چینی و صاحب منصبان حکومتی است.

## ۹- منابع

- لسان، مریم (۱۳۸۸)، الگوها و مراحل تغییر شکل شهری چین، پکن، شانگهای و گوانگجو، نشریه اینترنتی نوسازی، سال اول، شماره ۳۳، مهرماه.

- Binqing, Z (2008). Urban Regeneration of China's Historical District in a Transitional Economy.
- Diduck, A. & Sinclair, A.J (2002). Public Involvement in Environmental Assessment: The Case of the Nonparticipant. *Environmental Management*, 29(4), 578-588.
- Friedmann, J (2009). Place and Place-making in Cities.
- Gill, C (2005). Mumbai Dreams Shanghai. Available at: <http://ufionline.org/chronicles.htm> [Accessed March 12, 2010].
- Gluckman, R (2003). XinTian Di-Shanghai's hot new district. Available at: <http://www.gluckman.com/XinTianDi.html> [Accessed March 18, 2010].
- He, S. & Wu, F (2005). Property! Led Redevelopment in Post Reform China: A Case Study of Xintiandi Redevelopment Project in Shanghai. *Journal of Urban Affairs*, 27(1), 1-23.
- Høyem, H (2010). Urban renewal in China. Telephone interview.
- Klimova, Z (2010). Public Participation in Urban Renewal Projects: A Chinese Perspective, Lund University Centre for Sustainability Studies, May 2010
- Nadin, V. & Stead, D (2008). European Spatial Planning Systems, Social Models and Learning. *DISP-ZURICH-*, 172, 35.
- Ng, M.K., Cook, A. & C, E.W.T (2001). The Road Not Travelled: A Sustainable Urban Regeneration Strategy for Hong Kong. *Planning Practice and Research*, 16(2), 171-183.
- Plummer, J. & Taylor, J.G (2004). Community participation in China: issues and processes for capacity building, London; Sterling VA: Earthscan.
- Yang, Y. & Chang, C (2007). An Urban Regeneration Regime in China: A Case Study of Urban Redevelopment in Shanghai's Taipingqiao Area. *Urban Studies*, 44(9), 1809-1826.
- Zhao, Y (2010). Public Participation in China's EIA Regime: Rhetoric or Reality? *Journal of Environmental Law*, 22(1), 89-123.
- Zhu, D.L. & Sippel, G (2008). Sustainable Urban Conservation and Community Participation. In *Sustainable Urban Conservation and Community Participation*. 44th ISOCARP Congress. p. 11.
- Zhu, L (2007). Community Action Planning in Urban Conservation of the Old City Yangzhou. In *Proceedings of the 6th Conference of the Pacific Rim Community Design Network*. Quanzhou, Fujian, China, p. 13.